



## روزنامه‌نگاری شرافتمندانه

بررسی انصاف و رفتار منصفانه در مطبوعات امریکا  
از نگاه شش سردبیر امریکایی\*

ترجمه علی کسمایی

مصاحبه با جری سپوس، شلبی کافی، ماکس فرانکل، جیمز هوگ، دیو لاورنس و جنیوا اوور هولسر

جری سپوس- سردبیر اجرایی و معاون ارشد روزنامه «سان خوزه مرکوری نیوز».

■ فصلنامه مطالعات رسانه‌ای: آیا در مواردی که دیگران شما را سوژه خبری قرار داده‌اند، رفتارشان منصفانه بوده یا غیرمنصفانه؟ از چاپ مطلبی درباره خودتان در مطبوعات دیگر چه تجربه‌ای دارید؟

سپوس: تجربه من همان چیزی را تأیید می‌کند که هر سردبیری از روی تجربه و به‌طور غریزی آن را می‌داند. این که در این حرفه هم خبرنگاران خوب وجود دارند و هم خبرنگاران نه‌چندان خوب. این موضوعی است که شما، صرفاً حاضرید در یک جمع خصوصی بگویند و احتمالاً چنین حرفی را هرگز به مردم دیگر نخواهید گفت.

■ یک گزارش و مطلب غیرمنصفانه، به‌نظر شما دارای چه ویژگی‌هایی است؟ آیا معتقدید که «گزارش بد»، حاصل تنبلی، خبثت و غرض‌ورزی است یا از عوامل دیگری ناشی می‌شود؟

سپوس: من، خبرنگاری غیرمنصفانه را به سوءنیت و خُبثت طینت نسبت نمی‌دهم. و این احتمالاً همان تفاوت اصلی یا اختلاف‌نظری است که بین آنچه که من می‌گویم و چیزی که خبرسازان غیرروزنامه‌نگار می‌گویند، وجود دارد. از آنان می‌شنویم که در انعکاس اخبار غیرمنصفانه همیشه برنامه‌ای از قبل طراحی شده یا دستورکار پنهانی و یا چیزهایی از این دست وجود دارد. اما من تا امروز نتوانسته‌ام این حرف را قبول کنم.

■ آیا می‌توانید از تجربه‌ای یاد کنید که از نظر شما منصفانه و بی‌طرفانه بوده است؟ چه ویژگی‌هایی باعث شده که آن مطلب در ذهن شما باقی بماند؟

سپوس: بهترین گزارشگران، کمی غیرقابل اعتمادند. یکی از بهترین و

جالبترین تجربه‌های من به خبرنگاری به نام «تاد پردم» از نیویورک‌تایمز مربوط می‌شود که پیش من آمد و گفت: فلانی، راستش را بخواهی من این ماجرای مربوط به همدستی سازمان سیا در قاچاق مواد مخدر در نشریه سان‌خوزه مرکوری نیوز را اصلاً دنبال نکرده‌ام و واقعاً نیاز دارم که از آن سردر بیاورم. او باران سؤال‌هایش را نه فقط درباره تحولات آن روز، بلکه درباره تمام سابقه ماجرا بر سرم ریخت و بعد اتاقی در یک مُتل نزدیک دفتر روزنامه ما اجاره کرد و دست‌کم دو یا سه بار دیگر با سؤال‌هایی بیشتر سراغ من آمد.

من تصور نمی‌کنم که او این کار را برای معصوم جلوه دادن خود می‌کرد، به گمان من علت رفتار او نگرانی‌هایش بود. گزارش او نمونه دقت و بی‌طرفی بود و در

سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی را پوشش می‌دهند، گزارش‌هایی ارائه دادند که از نظر ما «بهترین» نبود. شخصی مانند «تاد پردم» نیز بدون هیچ اطلاع قبلی سراغ این مطلب آمد و از این ترس داشت که آمادگی ندارد. او نه فقط هیچ پیشداوری نداشت، بلکه اساسی‌ترین سؤال‌ها را نیز از من پرسید و این‌ها مفایر همه پیش‌فرض‌هایی است که داریم.

بهتر است گزارشگر از موضوعی که دنبال می‌کند، عمیقاً مطلع باشد. اگر خبرنگار آنقدر زیرک و زرنگ باشد که سؤال‌های درست و دقیقی را مطرح کند، متوجه خواهد شد که حتماً مطلبی برای گفتن [از ناحیه دیگران به خبرنگار] وجود داشته است.

■ آیا می‌توانید یک مورد کارخبری

■ «سپوس»، سردبیر اجرایی نشریه «سان خوزه مرکوری نیوز»: من خبرنگاری غیرمنصفانه را به سوءنیت و خُبثت طینت نسبت نمی‌دهم. و این احتمالاً همان تفاوت اصلی یا اختلاف‌نظری است که بین آنچه که من می‌گویم و چیزی که «خبرسازان غیر روزنامه‌نگار» می‌گویند، وجود دارد.

عین‌حال از عمق لازم نیز برخوردار بود. برای او چندان دشوار نبود که گذشته و روابط خود را یا بعضی از عوامل خبری که در اختیار داشت و مطالب خود را با استفاده از آنها می‌نوشت، نادیده بگیرد، اما او چنین نکرد. گزارش او عمق داشت و عادلانه و دقیق تنظیم شده بود و من رفتار او را، به عدم اعتماد به نفس او - این حرف من است نه نظر او - نسبت می‌دهم زیرا او خیلی دقیق بود.

گزارشگران خوب، گام‌هایی بیشتر از دیگران برمی‌دارند و درباره مطلبی که می‌نویسند، نگرانی‌هایی دارند. می‌خواهم از این حرف به این نتیجه برسم که گاهی اوقات شاید بهتر باشد بیش از حد در ماجرای وارد نشویم. منظورم این است که برخی از کسانی که خبرهای

غیرمنصفانه و عواملی را که در آن نقش بازی کردند، نام ببرید؟

من دست‌کم می‌توانم به دو مورد اشاره کنم که از دیدن کسانی که در آستانه انتشار مطالبی با حجم بیش از هزاران کلمه به سراغ آمده بودند، حیرت کردم. اگر می‌دانستم که می‌خواهند مطلبی را از قول من در آن بگنجانند - که در یک مورد عملاً چنین کردند - به آنها می‌گفتم «گزارش شما قبلاً آماده شده، شما به چیزی از من احتیاج ندارید». اگر در گفتن این حرف تردید دارم برای این است که این از نوع آن گفته‌هاست که «گربه دستش به گوشت نمی‌رسد...». این گفته‌ها بیشتر از کسانی که از مطبوعات نفرت دارند، شنیده می‌شود. اما من عقیده دارم که در بعضی از آنها نکات معتبری هم هست. اگر نمی‌خواهید

پیش از تکمیل شدن ۹۹ درصد مطلب، با شخصیت‌های اصلی مربوط به آن صحبت کنید، در آن صورت بدانید که مطلب از لحاظ بی‌طرفی و عادلانه بودن، مشکل دارد.

باید بگویم که استفاده از منبع خبری هالو یا ساده لوح، واقعاً بر بنیانی خطرناک استوار است. منظورم این است که می‌دانم این سیستم چگونه کار می‌کند و قبلاً در برخورد با آن دچار مشکل شده‌ام. از این که خیرساز تصادفی باشم، نفرت دارم. اگر هورایمایی روی خانه مردم سقوط کند، به آنها می‌گویم اگر ساده‌لوح نباشند - و من از گفتن این نکته نفرت دارم - احتمالاً با کسی مصاحبه نخواهند کرد.

**■ باید اعتراف کنیم - درست همان‌طور که پزشکان باید اعتراف کنند، اما گاهی نمی‌کنند - که ما شغلی داریم که در آن اشتباه، اجتناب‌ناپذیر است، پس اجازه بدهید آنها را تصحیح کنیم. تصحیح اشتباهات ما، معمولاً از تصحیح اشتباهات پزشکان آسانتر است.**

نکته آخری که می‌تواند از عوامل غیرعادلانه بودن تلقی شود به قدری ساده و ابتدایی است که حیرت‌آور است؛ برای برخورد عادلانه با شکایت‌ها باید روال خاصی وجود داشته باشد. من اعتقاد دارم که روزنامه‌ما یا کارکنان روزنامه‌ما از مقررات ما پیروی می‌کنند یا امیدوارم که این‌طور باشد. مقرراتی که تصریح می‌کند اگر شخصی برای شکایت از مطلبی که نوشته‌اید مراجعه کرد، از شما انتظار می‌رود او را به سردبیر حواله دهید نه این که شخصاً با او به بحث پردازید.

ما هرازگاهی ستونی به نام «دیدگاه دیگران» داریم که در آن مطالب کسانی را چاپ می‌کنیم که معتقدند مطلبی را که ما

نوشته‌ایم به کلی بی‌اساس است. هدف آنها، نه فقط تصحیح مطلب چاپ شده، بلکه تغییر کامل آن است. فکر می‌کنم اگر مخاطبان ما مورد پرسش قرار بگیرند اکثراً به شما خواهند گفت که ما حداکثر تلاش خود را به عمل می‌آوریم تا امکان چاپ طولانی‌ترین نامه‌های خوانندگان به سردبیر را فراهم کنیم.

**■ با توجه به این تجارب چه پیامی برای کارکنان خود و همکارانتان در رسانه‌های خبری دارید.**

سپوس: اخیراً گفت‌وگوها و جلساتی درباره رعایت «بی‌طرفی» و «دقت» با همکاران خود داشته‌ایم. در دو ماه گذشته



هشت مورد از این جلسات داشته‌ایم و سعی می‌کنیم مطلبی در این مورد منتشر کنیم. یکی از نتایج حاصل از این گردهمایی‌ها توجه بیشتر به این نکته است که واقعاً به مردمی که دارند چیزی به ما می‌گویند، گوش دهیم. هنگامی که مردم می‌گویند مطلب شما ممکن است اشتباه باشد، باید خوب به حرفشان گوش کرد. یا آنکه درباره مطلبی که دارید می‌نویسید نگران و نامطمئن باشید یا در فکر انجام اقدامات جدی و اساسی مانند خواندن تمام مطلب، یا بخشی از آن، برای منبع مطلب باشید.

یکی از طرفداران اصلی خواندن متن گزارش یا خبر برای منبع در روزنامه‌ما،

یک گزارشگر تحقیقی و برنده جایزه پولیتزر یعنی «پیت کری» است. پیت، گزارشی درباره باکتری عامل بیماری (E. Coli) تهیه کرد و قبل از چاپ آن را برای شرکت دارویی «اودوالا» خواند. پیت آنقدر به خود اعتماد دارد که به طرف بگوید: «می‌دانید، این گزارش کاملاً علمی است. من زیست‌شناسی یا هر علم دیگری که مربوط به این گزارش می‌شود، نخوانده‌ام. اجازه بدهید این را برای شما بخوانم، و به شما بگویم که شما از این علم به خوبی آگاهی دارید. حتی اگر نخواهم تغییراتی را که شما پیشنهاد می‌کنید در آن بدهم، اما آنقدر اطمینان دارم که آن را برای شما بخوانم.»

برای برداشتن بعضی گام‌های غیرعادی، مشتاق باشید و به شیوه‌های مختلف درباره بی‌طرفی و دقت فکر کنید. تقریباً هر چیزی را که هرکس به شما گوشزد می‌کند، به وضوح و روشنی، به شیوه‌ای عملی تصحیح کنید و این آسانترین کار است. من مدام در تحریریه به کارکنان روزنامه می‌گویم: «امروز به اندازه کافی ستون تصحیح نداشته‌ایم.» در روزنامه‌ای به بزرگی روزنامه‌ما، باید بیش از دو یا سه موردی که ما اشتباه (و تصحیح) می‌کنیم، اشتباه وجود داشته باشد. در نتیجه ما یک ستون خیلی بلند از موارد تصحیح شده داریم و فکر می‌کنم این خیلی خوب است. به عقیده من، ما باید رشد ستون تصحیح در روزنامه‌ها را ترغیب و تشویق کنیم. به اعتقاد من نباید خبرنگار را مسئول یا مقصر بدانیم، مگر این که اشتباهی خطرناک مرتکب شده باشد. فکر می‌کنم باید اعتراف کنیم - درست همان‌طور که پزشکان باید اعتراف کنند اما گاهی نمی‌کنند - که ما شغلی داریم که در آن اشتباه اجتناب‌ناپذیر است، پس اجازه بدهید آنها را تصحیح کنیم. این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که تصحیح اشتباهات ما معمولاً از تصحیح اشتباهات پزشکان آسانتر است.

شلبی کافی - سردبیر سابق لس آنجلس تایمز، اخبار آمریکا و گزارش‌های جهان، دالاس تایمزهرالد و معاون سابق سردبیر اجرایی واشنگتن پست.

■ برخورد رسانه‌های دیگر با شما چگونه بوده آیا برخورد آنها رامنتصفانه ارزیابی می‌کنید یا غیرمنتصفانه؟

کافی: یادگفته‌ای افتادم که به «ادوارد. آر. مورو» نسبت می‌دهند. مضمون گفته او این بود: هنگامی که مطلبی درباره روزنامه‌نگاران نوشته می‌شود، مطلب درباره این نیست که آنها پوست نازک (حساس) هستند، بلکه درباره این است که اصلاً پوست (حساسیت) ندارند! طبیعی است که به عنوان یک سردبیر احتمالاً با اعتراض، انتقاد جزئی و موارد دیگری مواجه شده باشم. در این راه گاهی هم با مطلبی (درباره خود) مواجه می‌شویم که ما را به شدت عصبانی می‌کند اما این جزو طبیعت و ذات دنیای رسانه‌هاست.

■ آیا هیچ نوشته‌ای را به یاد می‌آورید که از نظر بی‌طرفی و منصفانه بودن به عنوان شاخص در ذهن شما مانده باشد؟

کافی: نوشته‌هایی را که من به یاد می‌آورم، نوشته‌هایی است که شما حتماً پس از خواندن به این سؤال فکر خواهید کرد که آیا گزارشگری برای نوشتن این مطلب واقعاً وقتی را صرف کرده و بعضی از امکانات گوناگون را در یک موقعیت یا در سازمان شما به کار گرفته باشد! اگر در جریان تهیه مطلبی باشید غالباً متوجه عناصر و جزئیات زیادی خواهید شد که گزارشگر به خاطر ضرب‌الاجل و محدودیت زمانی که برایش تعیین می‌شود، ممکن است متوجه آنها نشود. بسیار پیش آمده که احساس کرده‌ام پوشش خبری، خوب و بی‌طرفانه بوده زیرامی توانستم گزارشگر آن را ببینم که سخت کار می‌کند تا به آن عناصر دست یابد.

■ نظرتان را درباره مطالبی که فکر

می‌کردید بی‌طرفانه نیست بگویید. از نظر شما چه چیزهایی باعث می‌شود تا مطلبی به عنوان یک مطلب بی‌طرفانه قلمداد گردد؟

کافی: در سالهای گذشته پس از این که به عنوان سردبیر لس آنجلس تایمز معرفی شدم، افراد مختلفی ضمن درج این خبر، شرح حال‌هایی از من در مدتی نسبتاً کوتاه تهیه کردند که در چهار نشریه چاپ شد. این زمانی بود که حقایق اساسی زندگی من، چیزهای تقریباً مشابهی بودند. چیزی که برای من به عنوان شخصی که بارها شرح حال دیگران را نوشته و ویراستاری کرده جالب بود، تفاوت در تأکید بر عناصری از شرح حال من در هریک از آن نشریات بود. روزنامه‌نگاران مختلف با توجه به تربیت شخصیتی خود در

شرح حال نویسی‌ها بروجه خاصی از ویژگی‌های شخص موردنظر تأکید می‌کنند. و به این دلیل تفاوت‌های جالبی را در نوشته‌های مختلف درباره خصوصیات یک فرد می‌توان در نشریات مختلف مشاهده کرد.

مسئله بی‌طرفی تا حدی به شخصیت گزارشگر و گاهی به شخصیت مؤسسه انتشاراتی بستگی دارد. بعضی‌ها هستند که مطالب انتقادی به شدت تعصب‌آلود علیه مؤسسات انتشاراتی بزرگتر و تثبیت شده‌تر می‌خواهند و شما مجبورید با آن کنار بیایید. این کاری است که یک انتشاراتی کوچک در یک شهر کوچک با مؤسسه‌های بزرگ انتشاراتی خواهد کرد. من این را در واشنگتن دیدم؛ در دالاس و در لس آنجلس نیز با چنین مواردی مواجه

شدم. باید این را درک کنید و زیاد نگرانش نباشید.

این امر بازتاب چیزی است که حالا غالباً در انواع مختلف گفتمان - از گفتمان سیاسی تا بعضی از انواع مصاحبه‌های تلویزیونی - شاهد وجود بحث‌هایی خشن و بی‌ادبانه، نوعی فکر آفرینی از نوع «زمین سوخته» که در آن هرکس که مخالف شماست، هرگز هیچ کار درستی انجام نداده است، هستیم. این کار در مواردی سرگرم‌کننده است اما غالباً باعث حذف پیچیدگی‌های حقیقت می‌شود. این چیزی است که در روزنامه‌نگاری باید به شدت از آن حذر کنیم. فکر نمی‌کنم که دستیابی به حقیقت، فضیلتی نابود شده باشد. اما قطعاً مسایل و مشکلاتی در این کار وجود دارد. ■ با توجه به این تجربه‌ها، چه

■ «شلبی کافی» سردبیر سابق لس آنجلس تایمز و معاون سابق سردبیر اجرایی واشنگتن تایمز: به عنوان یک سردبیر احتمالاً با انتقاد و اعتراض و موارد دیگری مواجه می‌شویم که ما را به شدت عصبانی می‌کند، اما این جزو طبیعت دنیای رسانه‌هاست.

توصیه‌هایی در مورد رعایت بی‌طرفی برای همکاران خود در رسانه‌های خبری دارید؟

به عنوان روزنامه‌نگاری که در زمینه‌های خبری کار می‌کنید، یا در مواردی که حداقل بعضی عناصر جنجال یا انتقاد دخیل خواهند بود، باید خودتان را به جای شخص یا مؤسسه‌ای بگذارید که درباره‌اش می‌نویسید. اگر شخصی که درباره‌اش نوشته می‌شود بتواند بگوید که «دست‌کم گذاشت که حرفم را بزنم و به من امکان داد نظرم را مطرح کنم.» یا اگر سوژه بتواند مقاله را با این احساس تمام کند که در آن موازنه وجود داشته، آنگاه معلوم است که به بی‌طرفی و رعایت انصاف نایل آمده‌اید.

ما روزنامه‌نگاران در کار با واژه‌ها

اغلب با مفاهیمی بسیار نزدیک و مشابه سروکار داریم. این موضوعی حیاتی - و البته وظیفه ما - ست که بیشترین تلاش خود را برای درستکار بودن به عمل آوریم. یکی از دوستان من که خبرنگار سرشناس تلویزیون است، می‌گفت: یکی از رهبران جهانی به او گفته بود که چقدر خوب است هر وقت شخصی در یک کشور مهم به عالی‌ترین مقام اجرایی می‌رسد او را به تماشای یک انفجار هسته‌ای و عواقب فاجعه‌آمیز آن ببرند تا

■ امروز شاهد وجود بحث‌هایی خشن و بی‌ادبانه و نوعی فکر آفرینی از نوع «زمین سوخته» که در آن هرکس که مخالف شماسست، «هرگز» هیچ کار درستی انجام نداده است، هستیم. این کاری است که در روزنامه‌نگاری باید به شدت از آن پرهیز کرد.

بیشتر به ماهیت قدرتمداری و جنگ طلبی پی ببرد و با آن آشنا شود. دوست من، که مطبوعات مطالب فراوانی در طول سالها درباره او نوشته‌اند، گفت: امیدوار است که هر دانشجوی روزنامه‌نگاری یا گزارشگر تازه کار موظف باشد شرح حالی از خود بنویسد و در آن سوءظن و نفرت خود را نسبت به همه انواع ریاکاری‌ها اعلام کند. او احساس می‌کرد که این کار، همانطور که آن رهبر جهانی پیشنهاد کرده بود، بسیار مفید خواهد بود.

ماکس فرانکل - نویسنده «مجله نیویورک تایمز» و سردبیر اجرایی پیشین روزنامه «نیویورک تایمز».

■ تجربه خود را از اینکه به عنوان سوژه خبری تحت پوشش قرار گرفته‌اید بگویید. آیا آن موارد را بی‌طرفانه ارزیابی می‌کنید یا مغرضانه؟

فرانکل: همه با غرض‌ورزی و برخورد غیرمنصفانه مواجه بوده‌ایم و این وقتی است که شخصی چیزی درباره شما می‌نویسد که اگر نظر شما را درباره آن خواسته بود، پاسخی آسان و روشن به او می‌دادید. این بلا هرزگاهی حتی از طرف بعضی از روزنامه‌های به شدت مسؤول، سرمن آمده است. این کار اهمیت قانونی را که می‌کوشیم با آن زندگی کنیم به ما یادآوری می‌کند، قانونی که می‌گوید: همیشه به مردم امکان اظهارنظر بدهید، مخصوصاً هنگامی که مطلبی منفی درباره آنها گفته می‌شود. به‌طور کلی اگر خیال دارید به نام کسی در مطلبی اشاره کنید، یا شخص دیگری درباره کسی حرف زده، کار شرافتمندانه و درست این است که او را در جریان بگذارید و نظرش را جویا شوید.

■ آیا می‌توانید موردی از برخورد مطبوعاتی مغرضانه و عواملی که بر آن تأثیرگذار بوده است را تشریح کنید؟

فرانکل: یک‌بار برای چاپ خبری سراغ من آمدند، سعی کردیم موضوع را روشن کنیم اما نویسنده مطلب زیربار نمی‌رفت. واقعاً حیرت‌آور بود. نویسنده مطلب، آدمی مهم در یک مؤسسه انتشاراتی مهم بود و برای ما بسیار اهمیت داشت. این مقاله کاملاً خوب، زیبا و روشن ناگهان ادعا می‌کرد که من در حال کناره‌گیری از سردبیری هستم. آن هم یک‌سال قبل از موعدی که مردم انتظارش را داشتند. دلیلی که برای این‌کار عنوان شده بود نیز این بود که همسرم سرطان سینه دارد و من نگران او هستم. اما حقیقت این بود که من گفته بودم پیشنهاد

من برای استعفا و زمان‌بندی کناره‌گیری‌ام در ۶۴ سالگی در شصت و سومین سالگرد تولدم است، یعنی سال قبل. در آن زمان هیچ خبری از سرطان نداشتیم و به این ترتیب بیماری همسرم ارتباطی با این تصمیم من نداشت.

ظاهراً یک نفر در محل کارم یا جای دیگری داشت شایع می‌کرد که بین این دو موضوع، ارتباطی وجود دارد و نویسنده گزارش، روایت او را ترجیح داد و همان را چاپ کرد. من از این کار به شدت رنجیدم چون همسرم را نیز ناراحت کرد. زیرا نمی‌خواست مسؤول کناره‌گیری من باشد.

■ «ماکس فرانکل» سردبیر اجرایی پیشین روزنامه نیویورک تایمز: اگر خیال دارید به نام کسی در مطلبی اشاره کنید یا شخص دیگری درباره او حرفی زده است، کار شرافتمندانه و درست این است که به خودش اطلاع بدهید و نظرش را بخواهید.

شاید نویسنده می‌خواست از من ستایش کرده باشد که زندگی خصوصی‌ام را برکار و آرزوهایم مقدم داشته‌ام. من فکر نمی‌کنم که منظورش اهانت بوده است، بلکه از این ناراحت شدم که قبل از چاپ، این موضوع را به او گفته بودم اما ظاهراً باور نکرد و آن را تغییر نداد. این موضوع طبیعتاً ناراحت‌کننده بود.

اما در مجموع برخورد مطبوعات با من منصفانه بوده است. انسان همیشه برای شناختن خود، آن‌طور که دیگران او را می‌بینند، مشکل دارد. وقتی که مردم سراغ شما می‌آیند تا شکایت کنند که با آنها منصفانه برخورد نشده است، منصفانه به

آنها گوش بدهید. ممکن است شما همان کاری را با آنها کرده باشید که دیگران با شما کرده‌اند. مهمتر از آن، این است که تمام روزنامه‌نگاری یک برش سریع و ساده از واقعیت است و هدف آن این است که این احساس را در مردمی که در خبرها مطرح می‌شوند به وجود آورد که آنها به صورت تمام و کمال و کامل ارائه نشده‌اند. این تقریباً اجتناب‌ناپذیر و یک معضل همیشگی است.

■ آیا می‌توانید تجربه‌ای را نام

ببرید که منصفانه بوده است؟

فرانکل: یادم هست یک بار مرتکب اشتباه بدی شدم. جریان این بود که از دست یک گروه فمینیست که به نیویورک تایمز، شدیداً اعتراض داشتند که چرا ما خبر یا تصویر کافی از زنان در صفحه اول خود چاپ نمی‌کنیم، عصبانی شدم و به انتقاد شدید و خشم‌آگین از «بتی فریدان» و چند نفر دیگر از اعضای این گروه پرداختم. آن وقت شخصی - گمان می‌کنم النور راندولف که در آن زمان در واشنگتن پست کار می‌کرد - به من مراجعه کرد تا اظهارنظرهای بیشتری بکنم. و من درحالی که سعی می‌کردم به نکته‌ای جدی اشاره کنم با گفتن این که «اگر زنان، دنیا را اداره می‌کردند خود به خود بیشتر در صفحه اول تایمز مطرح می‌شدند، و این غیرمنصفانه است که ما را با نشریاتی مقایسه کنند که به مسایل سرگرم‌کننده‌ای می‌پردازند که زنان بیشتر از سیاست - که ما به آن می‌پردازیم - در آنها نقش دارند»، کار را خراب‌تر کردم. چیزی هم به این مضمون گفتم که اگر ما بیشتر به جشن‌های چایخوری می‌پرداختیم، طبعاً در آن صورت زنان جای بیشتری در خبرهای روزنامه ما می‌داشتند. ناگهان جنجال فراوانی به پا شد: آیا من فکر می‌کردم که زنان فقط برای مجالس چایخوری مناسبند؟ تصویری که من در ذهن داشتم مربوط به زمانی بود که من یک خبرنگار خارجی بودم و همسران دیپلمات‌ها همیشه شکایت می‌کردند که نوکرهای

بی‌جیره و مواجب دیپلماسی هستند، زیرا مجبورند همه ضیافت‌های چایخوری را راه بیاندازند. النور به این مطلب حمله کرد و جنجال زیادی حتی در تحریریه روزنامه خودم برسر این موضوع به راه انداخت. زنان از هر طرف در حالی که کیسه‌های کوچک چای را به عنوان گوشواره به گوش‌های خود آویخته بودند به روزنامه ما سرازیر شدند. سعی می‌کردم آنها را در مورد آن اظهارنظر غیرمحترمانه خود قانع کنم. شب وقتی به خانه رفتم و جریان را به همسرم گفتم، او گفت: «پس خودت را

کردید، درباره پوشش منصفانه، چه حرفی برای همکاران خود در رسانه‌های خبری دارید؟  
فرانکل: هر خبر و گزارشی، دقیقاً به این علت که چکیده یا خلاصه‌ای از چیزی است، در نهایت یک یا دو ایده و اندیشه یا یک یا دو موضوع (تم) را منتقل می‌کند. دوست دارم فکر کنم که گزارشگران یا نویسندگان قبل از این که نوشتن متن نهایی را شروع کنند از خود بپرسند: «این که دارم اینجا می‌گویم چیست و چه پیام



■ اگر شخصی که درباره‌اش مطلبی نوشته می‌شود بتواند بگوید که «دست‌کم گذاشت حرفم را بزخم، به من امکان داد نظرم را مطرح کنم»، به بی‌طرفی نائل آمده‌اید.

حسابی به دردرس انداختی!» و همینطور هم شد. از من به خاطر اظهارنظری بی‌جا و نابهنگام، انتقاد شد و گرچه دچار دردرس زیادی شدم اما برخوردی که با من شد منصفانه بود.

چیزهای کوچکی مانند این، افشاکننده هستند. این ماجرا به من آموخت که فکر و ذهنم در دوره و نسلی زندگی می‌کرد که نسل جدید آن را نمی‌شناخت. آنها نمی‌دانند که من دارم درباره چه چیزی حرف می‌زنم. این فی‌نفسه آموزش مفیدی بود.

■ با توجه به تجربه‌ای که بیان

و تأثیری را می‌خواهم به دیگران منتقل کنم؟» فکر می‌کنم نوشتن را باید با پرسیدن این سؤال شروع کرد که موضوع محوری و بنیادین مطلبی که دارم می‌نویسم - و نه آنچه که کلمات، نقل‌قول‌ها و گفته‌ها می‌گویند - چیست؟ گزارشگران و نویسندگان با پرسیدن این سؤال از خود که: «آنچه سعی می‌کنم اینجا بگویم چیست؟» به این مرحله می‌رسند که از خود بپرسند آیا نوشته‌شان نسبت به سوژه مطلب، عادلانه هست یا خیر؟

جیمز هوگ - عضو مرکز مطالعات  
رسانه‌ها در سالهای ۹۳-۱۹۹۲ و سردبیر  
فعلی «فارین افیرز»، ناشر سابق «نیویورک  
دیلی نیوز» و همچنین سردبیر و ناشر سابق  
«شیکاگو سان تایمز».

■ به عنوان یک سردبیر، از مطالبی  
که درباره شما در مطبوعات چاپ  
شده چه تجربه‌ای دارید؟ آیا  
برخوردی که مطبوعات با شما  
داشته‌اند منصفانه بوده یا  
غیرمنصفانه؟

هوگ: این موضوع در مورد من به دو  
فصل تقسیم می‌شود. فصل اول، مربوط  
به سالهای بسیاری است که در شیکاگو  
سان تایمز، نخست به عنوان سردبیر و  
سپس در مقام ناشر، کار می‌کردم. در این  
مدت و در بیشتر موارد، پوشش خبری  
مربوط به من منصفانه بود و هنگامی هم  
که منصفانه نبود، معمولاً به علت بی‌دقتی  
یا کافی نبودن مطالب بود. بعضی از  
خبرنگاران بیش از حد به بریده‌های جراید  
اتکا می‌کنند. این بریده‌ها شامل  
برداشت‌های یک گزارشگر خاص یا یک  
مجموعه از کل واقعیت است. آنها معمولاً  
مطالبی کهنه و بی‌روح هستند، مگر این که  
نویسندگان و گزارشگران با دید دیگری به  
آنها نگاه کنند.

فصل دوم، به کارم در نیویورک  
دیلی نیوز مربوط می‌شود. گزارش‌ها در  
«دیلی نیوز» و نقش من در مجموع تلاش  
برای بی‌طرفی بود. البته فکر می‌کنم این  
بی‌طرفی در طول اعتصاب و مذاکرات تلخ  
و گزنده کارگری گاهی نقض می‌شد. گاهی  
گزارش‌هایی در روزنامه‌های رقیب چاپ  
می‌شد که انگیزه آنها نه عینی‌گرایی، بلکه  
رقابت بازاری بود. فکر می‌کنم بعضی از آن  
گزارش‌ها به علت حمایت احساسی از  
یک اتحادیه یا اتحادیه دیگر در برابر یک  
نگاه بی‌طرفانه به اوضاع بود و همین را  
درباره آنچه که نادیده گرفته می‌شد، نیز  
می‌گویم. برای مثال، مبارزات غیرقانونی  
مداومی در طول اعتصاب در جریان بود  
که به نظر من خبرهای آن تا اواخر ماجرا و

■ «جیمز هوگ» سردبیر «فارین افیرز»: بعضی از خبرنگاران بیش از حد  
به بریده‌های جراید اتکا می‌کنند، این بریده‌ها شامل برداشت‌های یک  
گزارشگر خاص یا یک مجموعه از واقعیت‌هاست.

■ حس می‌کنم که نسل گذشته سردبیران و دبیران، تلاش بیشتری  
برای رعایت سطوح بالای بی‌طرفی، دقت و مصلحت عامه به عمل  
می‌آورد.

■ اگر چیزی یاد گرفته باشم این است که شما به تعهدی همیشگی  
نسبت به بی‌طرفی، کمال و دقت نیاز دارید که مدام در گفتار و کردار  
مسئولان تحریریه روزنامه نشان داده شود و تجلی یابد.

پس از شکایت‌های مکرر از طرف ما چاپ  
نشد.

موضوع دیگر، این است که میزان درک  
اقتصادی در بخش اعظم مطبوعات کاملاً  
کم است. تا آنجا که به تلویزیون و  
روزنامه‌نگاری الکترونیک مربوط  
می‌شود، هنوز هم تمایلی به ارائه متون و  
مطالب فراوان اقتصادی، تاریخی یا  
مطالب مربوط به بازار وجود ندارد.  
گزارش‌های تلویزیون بیشتر طرح ادعا در  
برابر ادعاست که باعث می‌شود  
گزارش‌های خبری در برابر این یا آن نوع  
ادعاهای خشک و بی‌روح آسیب‌پذیر  
شوند. فکر می‌کنم اگر بنا بود آنچه را که در  
«دیلی نیوز» جریان داشت از طریق آنچه که  
در تلویزیون می‌دیدید درک کنید، دشواری  
زیادی می‌داشتید.

■ اینها به برخورد غیرمنصفانه  
مطبوعات با شما مربوط می‌شود،  
آیا هیچ مورد خاصی را به یاد  
می‌آورید که منصفانه بوده باشد؟  
چه عواملی باعث شده تا آن را  
منصفانه بدانید؟

هوگ: نیویورک تایمز پس از  
یادآوری‌های بسیار، نگاهی نسبتاً جامع به  
خشونت‌های ناسازی از اعتصاب  
«دیلی نیوز» انداخت. اما این کار را در اواخر  
جریان، عملاً در شرایطی که تقریباً ماجرا

پایان یافته بود، انجام داد. یک گزارش  
مفصل در یک شماره روز شنبه  
نیویورک تایمز تلاش داشت برخوردی  
کامل و منصفانه و بی‌طرفانه با ماجرا  
بکند.

■ آیا از این تجربه‌ها، چیزی  
آموخته‌اید که بخواهید به  
همکارانتان در مطبوعات منتقل  
کنید؟

هوگ: شاید به احساس حسرت  
گذشته از جانب من مربوط باشد، اما این  
احساس را دارم که در نسل گذشته  
سردبیران و دبیران - در سطوح مختلف -  
تلاش بیشتری برای رعایت سطوح بالای  
بی‌طرفی و دقت و مصلحت عامه به عمل  
می‌آمد. شاید این فقط ناشی از تصورات  
ماست که زمان ما بهتر از زمان بعد از ما  
بود. اما اگر چیزی یاد گرفته باشم، این  
است که شما به تعهدی همیشگی نسبت  
به بی‌طرفی، کمال و دقت نیاز دارید که  
مدام در گفتار و کردار مسئولان تحریریه  
روزنامه نشان داده شود و تجلی یابد.  
گزارشگران، خودشان قادر به انجام این کار  
هستند اما فراهم کردن محیطی که در آن  
صحت و بی‌طرفی مطلب، یک ضرورت  
و همچنین شیوه‌ای باشد که با آن درباره  
شما داوری کنند، تفاوت بزرگی به وجود  
می‌آورد.

دیو لاورنس - ناشر روزنامه میامی هرالده.  
■ در مواردی که شخصاً سوژه خبری دیگران قرار گرفته‌اید آیا رفتار آنها را منصفانه ارزیابی می‌کنید؟

لاورنس: این اظهارنظری تأسف‌آور است. من طی سالها به همین حد که مرا داغ نکرده‌اند، راضی بوده‌ام. من دنبال این نیستم که مطلبی درباره‌ام بنویسند یا نیازی به این کار ندارم. خبرنگاران هنگامی که مشغول مصاحبه با روزنامه‌نگاران دیگر هستند، صراحتاً مایل نیستند بپذیرند که آنها آدمهای درستی هستند. فکرمی‌کنم یکی از ارزش‌های حرفه ما این است که مجبورید تلاش زیادی به عمل آورید تا مردم فکر نکنند که شما یک «مفتخوار» هستید و یا ثابت کنید که فقط به خودتان فکر نمی‌کنید. به این دلیل پوشش خبری که از خودم یا از این روزنامه دیده‌ام در بیشتر موارد بین قابل قبول، اما نه عمیقاً خردمندانه، تا آنچه که به نظر من برآثر پیشداوری و غرض‌ورزی شخصی به شدت تحریف شده بوده، نوسان داشته است. بسیاری از این گزارش‌ها سطحی است و من همیشه از تعداد زیاد حقایق ساده‌ای که غلط است، حیرت می‌کنم.  
من با خبرنگاران و گزارشگران فراوانی سروکار دارم و معمولاً از اعتبار حرفه‌ای زیادی برخوردارم و روی من حساب می‌کنند. من کسانی را که با آنها کار می‌کنم دوست دارم؛ فکر می‌کنم کسانی که در روزنامه‌ها کار می‌کنند باهوش، دلسوز و آرمان‌گرا هستند. اما از طرف دیگر با تعداد زیادی گزارشگر برخورد می‌کنم که قبل از این که سراغ من بیایند، تصمیم‌شان را درباره این که حقیقت چیست، گرفته‌اند. و من آنقدر در این کار سابقه دارم که می‌توانم به سرعت پی‌برم چه کسی از قبل تصمیمش را گرفته و چه کسی نگرفته و چه کسی حرفت را گوش می‌کند و همان را چاپ می‌کند و چه کسی برخلاف این عمل می‌کند.

از آنجا که کارم پرسیدن سؤال است،

سخت تلاش می‌کنم هرگز از پاسخ دادن به سؤالها خودداری نکنم. به این دلیل هرکس که برای پرسیدن هرسؤالی پیش من بیاید، جواب سؤالهایش را می‌دهم.

در روزنامه خودم و روزنامه‌های دیگر افراد فوق‌العادی را می‌شناسم که کاملاً به حقیقت‌خواهی، بی‌طرفی، اما‌اندازی و اندیشمندی آنها اعتقاد و اعتماد دارم اما به عقیده من اینها اکثریت عظیم را در حرفه ما تشکیل نمی‌دهند. من تقریباً هرگز با کسی کار نکرده‌ام که به نظرم مطلقاً ناتوان یا طرفدار سرسخت یک عقیده بوده باشد، بلکه در عوض افراد بسیاری را دیده‌ام که برای پی‌بردن به این که حقیقت موضوع چیست، چندان متعهد نبوده‌اند و تنها چیزی که مدنظرشان بوده دستیابی سریع و فوری به راه حل بوده است.

■ چه عواملی باعث می‌شود که یک پوشش مطبوعاتی غیرمنصفانه به حساب آید؟  
لاورنس: بیشتر فکر می‌کنم که علت این کار، تنبلی فکری و ذهنی است و نه جنجال‌آفرینی. به علاوه فکر می‌کنم که همکاران ما، در موارد بسیاری، از قدرت فراوانی که برای ایجاد همه نوع «انگاره» دارند، آگاه نیستند. آنها قدرت واژه‌ها را درک نمی‌کنند. همین امروز بعدازظهر با خانم گزارشگری صحبت کردم که در گزارشی از واژه «طفیلی» استفاده کرده بود که به نظر من واژه‌ای بی‌ادبانه است. او آدم خوبی است و پیام من به او این بود: «تو به عنوان یک گزارشگر، عاقل‌تر از آن هستی که از این نوع کلمات استفاده کنی.» بهترین نوع گزارش‌نویسی این است که واقعیات را در معرض دید خواننده بگذاریم و به او اجازه بدهیم خودش تصمیم بگیرد که آیا این شخص یک طفیلی هست یا نه. به او گفتم: «آیا دوست داری در «میامی هرالده» یک طفیلی به حساب بیایی؟ فکر نمی‌کنم چنین چیزی را دوست بداری. این دقیقاً همان روزنامه‌نگاری کلیشه‌ای است. روزنامه‌نگاری، کاری است بیشتر و بهتر از دست یافتن ساده به واقعیات. شما ممکن

است به واقعیات دست پیدا کنید اما به حقیقت خیلی نزدیک نباشید.

■ آیا می‌توانید موردی را بازگو کنید که مطلبی درباره شما چاپ شده باشد و شما از آن به عنوان یک پوشش منصفانه یاد کنید؟

لاورنس: ممکن است موردی باشد، اما من نمی‌توانم نوشته‌ای را به یاد بیاورم که پس از خواندن آن به خود گفته باشم: «آها، پسر این آدم واقعاً کارش را درست انجام داده است.» نوشته‌های بسیاری را دیده‌ام که از نظر فنی دقیق بوده‌اند اما خیلی کم دیده‌ام که مطلبی درباره حرفه خود ما نوشته شده باشد. فکر می‌کنم بیشتر خبرنگاران درک کمی از سازوکارهای کل این حرفه دارند، این که

■ «دیو لاورنس»، ناشر

میامی‌هرالده: من طی سالها به همین حد که مطبوعات دیگر مرا داغ نکرده‌اند، راضی بوده‌ام.

پایگاه‌های اقتصادی آن کدامند؟ با چه چالش‌هایی مواجه‌اند؟ و غیره.

■ نظرتان درباره بدترین مورد پوشش غیرمنصفانه‌ای که داشته‌اید چیست؟

لاورنس: در شرایطی که روزنامه ما دست به اقداماتی زده بود تا خوانندگان تازه‌ای پیدا کند - کاری که از قضا همه همکاران ما در سراسر جهان انجام می‌دهند - با مقاله‌ای واقعاً پیش پا افتاده و تمسخرآمیز در «نیویورک تایمز» مواجه شدیم که در این روزگار روزنامه‌نگاری هوچی‌گرانه، که صددرصد وجود دارد، به نوعی موضوع روز تبدیل شد.

■ با توجه به این موضوع چه پیامی درباره پوشش مطبوعاتی برای



همکارانتان در «میامی هرالده» و سایر همکارانتان در رسانه‌های خبری دارید؟

لاورنس، من آدمی با افکار کاملاً قدیمی هستم و فکر می‌کنم ارزش‌هایی که با آنها بزرگ شدم هنوز هم به خوبی در ژورنالیسم روزنامه‌ای کاربرد دارد و به کار می‌آید. به نظر من ما باید با مردم همانطور رفتار کنیم که انتظار داریم با ما رفتار کنند. نه این که دست از سرسختی برداریم و تسلیم شویم برعکس همچنان در اصول خود پابرجا هستیم اما همدردی و دلسوزی را ضعف به حساب نمی‌آوریم. فکور و جدی بودن را ضعف نمی‌دانیم.

من فکر می‌کنم درباره هر گزارشگر یا سردبیر مسئول درج اخبار و مطالب دیگران هم باید مطلب نوشته شود. این یک درس عینی شگفت‌آور است.

جنیوا اوور هولسو - سردبیر سابق رجیستر [The Des Moines (Iowa) Register] و مسئول رسیدگی به شکایات در روزنامه واشنگتن‌پست.

■ در مناسبت‌هایی، رسانه‌های خبری، مطالبی درباره شما چاپ کرده‌اند، این تجربه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا منصفانه بوده یا غیرمنصفانه؟ مثلاً، چه مطالبی را به طور خصوصی با سردبیران دیگر مطرح کرده‌اید اما علناً حاضر نیستند از آنها سخن بگویند؟

اوور هولسو: نکته اصلی که پس از سالها چاپ مطالبی درباره خردم در مطبوعات به آن رسیده‌ام - مطالبی که گاه به شدت مثبت و گاه به نحو غیرمنصفانه‌ای منفی بوده‌اند - این است که بهترین راه برای قضاوت درباره مطالبی که درباره کسی چاپ شده است، توجه به آنها یک مجموعه و یک جاست. من واقعاً به شدت احساس می‌کنم که اگر قرار بود به این مطالب که در طول سالهای کارم در مطبوعات درباره‌ام چاپ شده به طور کلی نگاه کنم در آن صورت می‌توانم بگویم که

تصویر نسبتاً دقیقی از من در کار - یا از کارم - آشکار می‌شود.

اما این سؤال دشواری را مطرح می‌کند: پس تکلیف اشخاصی که فقط یکبار مطالبی درباره‌شان چاپ می‌شود چیست؟ فکر می‌کنم لازم است از این امر یاد بگیریم که باید آگاهی بسیار زیادی درباره تأثیر این کار روی افراد داشته

که بعدها پی بردند که من و دیوید وستفال، سردبیر اجرایی، ازدواج کرده و باهم در واشنگتن زندگی می‌کنیم، قضاوت کنم باید بگویم که این مطالب غیرمنصفانه بوده‌اند. آنچه که آنها را از نظر من غیرمنصفانه می‌کند، این است که روزنامه‌نگاران در تشخیص لطایف و ظرایف زندگی، چندان خوب عمل

■ فکر می‌کنم کسانی که در روزنامه‌ها کار می‌کنند باهوش، دلسوز و آرمان‌گرا هستند. اما از طرف دیگر با تعداد زیادی گزارشگر برخوردار می‌کنم که قبل از این که سراغ من بیایند، تصمیم‌شان را درباره این که حقیقت چیست، گرفته‌اند.



دیچارد ام، نیکون، کسی که عملکردش باعث بحث‌های فراوانی درباره اخبار شراکت‌انداز رسانه‌ها شد، به شکست خود در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۶۰ اعتراف می‌کند.

■ این بسیار آزاردهنده است که در جریان مصاحبه یک خبرنگار از سؤال‌های او پی ببرید که قبلاً کارش را کرده است و مطالبش را از پیش تهیه کرده است!

نمی‌کنند. ما به ظرایف و ریزه‌کاری‌ها کاری نداریم، از نظر ما هر چیزی یا باید کاملاً سیاه باشد یا کاملاً سفید تا امکان عرضه شدن یابد. اگر چیز جالبی پیدا کنیم آن وقت آن چیز هر چیز دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

موضوع جالب در مورد من، که بسیار جالب است، این است که من عاشق سردبیر اجرایی‌ام بودم - و این کاری

باشیم. باید به راستی با افرادی که فقط یکبار مطالبی درباره‌شان چاپ می‌شود همدردی کنیم.

■ آیا می‌توانید از یک مورد خاص نام ببرید که خودتان هدف پوشش خبری غیرمنصفانه قرار گرفته باشید؟

هولسو: اگر بخواهم راجع به مطالبی که هنگام کار در «رجیستر» و از دید کسانی

ممنوعه است! بعد، به جای این که به این حقیقت فکر کنند که دو چیز (ازدواج، عشق و کار) ممکن است در کنار هم وجود داشته باشند، یا ممکن است در همه گفته‌هایم درباره حرفه‌ام - که به همان بزرگی و اهمیت این حقیقت دوم بود - صادق بوده باشم... همان کارهایی را کردند که ما درباره مطبوعات می‌گوییم: مطبوعات روی تعارض و درگیری تمرکز می‌کنند، برخورد نادرست با مسایل جنسی و شهوانی را دوست دارند، می‌خواهند به آنچه که نمی‌دانند پی ببرند و بعد درباره آنچه که فکر می‌کنند مهم است، تصمیم می‌گیرند و باور نمی‌کنند که هرکس و هرچیز واقعاً همان است که نشان می‌دهد. با استفاده از همه این شیوه‌ها دیگر هیچ چیز دیگری اهمیت ندارد.

### ■ ما روزنامه‌نگاران به

ظرایف و ریزه‌کاری‌ها، کاری

نداریم. هر چیزی باید یا

کاملاً سیاه باشد یا کاملاً

سفید تا امکان عرضه شدن

پیدا کند!

به این دلایل، مطالب فوق در نظرم غیرمنصفانه بودند. اگر بخواهم یک مقاله، بخصوص غیرمنصفانه را نام ببرم، قطعاً مطلبی در صفحه اول «وال استریت ژورنال» با تصویری از من در روی جلد آن بود، این مطلب از نظر من حیرت‌آور بود.

■ آیا هیچ موردی هست که به خاطر منصفانه بودنش در ذهن شما مانده باشد؟

هولسن: اطمینان دارم در موارد بسیاری با من منصفانه برخورد شده است، اما مطالب عمده درباره من همیشه یا به شدت ستایش‌آمیز یا به حدی باورنکردنی تیره و بدون در نظر گرفتن هرگونه موارد مثبتی بوده است. یا از این مهمتر، این است که چون از نظر آنها کاربردی کردن بنابراین هرکار خوب دیگری که ممکن

است در عمرم انجام داده باشم باید دروغ بوده باشد.

درست است که به نظر من با گذشت زمان تصویر کاملاً دقیقی از شخص پدیدار می‌شود، اما قبول ندارم که دلیل پدیدارشدن این تصویر، فراوانی مقالات منصفانه است. بلکه علت آن وجود و عرضه مقالات نامتوازن در برابر مقالات نامتوازن دیگر است.

هنگامی که سردبیر رجیستر شدم و هنگامی که مقالات مربوط به تجاوز، مدال طلا گرفت، مطالبی در مطبوعات می‌خواندم که واقعاً مرا ناراحت می‌کرد. مطالبی که باعث ایجاد این فکر در من می‌شد که «مطبوعات را چه می‌شود که اینگونه با ما برخورد می‌کنند و چرا خبرنگاران روزنامه خودم با کسانی که نمی‌توانند مطلب مرا بپذیرند، حرف نمی‌زنند؟» واقعاً احساس می‌کردم که چیزی به نام باریک‌بینی و ظرافت در حرفه ما وجود ندارد. و فکر می‌کنم این کاری است که مطبوعات انجام می‌دهند. ما شخصی را پیدا می‌کنیم که ما را جذب می‌کند، یک چهره سیاسی جدید یا شخصی مانند او و مطالبی به شدت ستایش‌آمیز درباره‌اش می‌نویسیم، سپس وضع طوری می‌شود که انگار از خودمان خجالت می‌کشیم و احساس می‌کنیم که حالا باید علیه او تیغ بکشیم.

■ از این تجربه‌ها چه چیزهایی آموخته‌اید؟ دوست دارید چه مطالبی را درباره برخورد منصفانه و غیرمنصفانه به همکارانتان بگویید؟

هولسن: هنگامی که مطلبی درباره شخصی به دست آورده‌ایم واقعاً لازم است فکر کنیم که آیا مسؤولیتی داریم تا تصویر کاملتری به خوانندگان بدهیم؟ اگر مطلبی درباره یک دلال اتومبیل در شهر که ناگهان به (انجام خلافی) متهم شده می‌نویسیم، آیا وظیفه نداریم به این مطلب هم اشاره کنیم که او قبلاً بارها خدماتی به جامعه کرده تا تصویر کاملتری

بدهیم؟ عموماً فکر می‌کنیم که این کار را انجام می‌دهیم اما به عقیده من این یکی از راه‌هایی است که به سقوط منجر می‌شود.

به نظر من دو چیز که در نتیجه درج مطالب مثبت و منفی درباره من پیش می‌آید، بسیار آزاردهنده است؛ یکی هنگامی است که گزارشگری دارد با شما مصاحبه می‌کند که مطلبی را از پیش تهیه کرده و شما در سؤالهای او می‌توانید به‌طور واضح ببینید که قبلاً کارش را کرده است. شما نمی‌توانید بگویید: «یک دقیقه صبرکن، نظرت راجع به این چیست؟» چون قبلاً جواب‌های خود را گرفته و احساس می‌کند می‌داند مطلب چیست.

مورد دیگری که بخصوص برای من ناراحت‌کننده است این است که وقتی خبری تولید و پدیدار شد، تمام رسانه‌های دیگر با همان دید به آن نگاه می‌کنند و همان را تکرار می‌کنند. یک رسانه - یک روزنامه یا یک تلویزیون - همه چیز یک خبر را تعیین می‌کند. پس استقلال یک گزارشگر در برابر گزارشگر دیگر کجاست؟ ما این ویژگی را از دست داده‌ایم و بخشی از تقصیر ما به خاطر وجود اینترنت و نکسیس (Nexis) است که دسترسی آسان به خبرها، گزارش‌ها و گفته‌ها را بدون تحقیق خود آنها (خبرنگاران) امکان‌پذیر کرده است. آنها پیش از این که با تو تماس بگیرند گزارش و مطلب خود را تمام کرده و نوشته‌اند و برای همین است که غالباً همیشه مطالب یکسانی را تکرار می‌کنند و به‌نظر می‌رسد هیچکس از آنها نمی‌پرسد که چرا کار مستقلی انجام نمی‌دهند تا گزارش و مطلب جالب‌تری تهیه کنند. فکر می‌کنم همه ما - بخشی به خاطر این که سازمان‌های خبری دارند متحد می‌شوند و بخشی به علت گزارش‌نویسی الکترونیکی - به قول معروف از یک تغذیه می‌شویم. □

گفت‌وگو از: جنیفر کلی

\* منبع:

Media Studies journal, Vol. 12, No. 2,

Spring/Summer 1998, pp.126- 137.